

ارائه‌ی مدل شایستگی تربیت اسلامی دانش آموزان، بر اساس ابعاد و مؤلفه‌های تربیت شهروندی از نظر متخصصان

جواد جهان*

سجاد زنگنه تبار**

محمد پاک سرشت***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارائه‌ی مدل شایستگی دانش آموزان تربیت اسلامی، بر اساس ابعاد و مؤلفه‌های تربیت شهروندی از نظر متخصصان حوزه برنامه درسی انجام شده است، روش پژوهش کیفی و شامل تحلیل اسنادی و روش داده بنیاد است. ابزار پژوهش شامل چک لیست بررسی و همچنین مصاحبه نیمه ساختار یافته بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل در بخش مطالعه‌ی متون از تحلیل متن کیفی به روش قیاسی - استقرایی و روش تحلیل مضمون و در بخش مصاحبه از روش تحلیل و تفسیر داده‌ها استفاده شد. همچنین از روش کدگذاری استفاده شده است. واحد داده‌های مورد نیاز استخراج و تنوع آنها به صورت فراوانی به ثبت رسیده است. ضمناً از شاخص‌های آمار توصیفی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها بهره برداری گردیده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سه بعد دانشی، نگرشی و توانشی (مهارتی) مهم‌ترین ابعاد تربیت شهروندی هستند و هرکدام از این ابعاد دارای مؤلفه‌های ویژه‌ای است. بعد دانش دارای ۱۶ فراوانی و ۲۸.۰۷ درصد شامل مؤلفه‌های دانش عمومی و تخصصی، دانایی محوری، استقلال ذهنی، تفکر و تدبیر و تعمق، برنامه ریزی، پرسش و پاسخ و مشارکت در بحث، توسعه علمی، ترویج دانش، توانایی محاسبات، توانایی گفتگو، سواد رسانه‌ای، شناخت محیط اطراف و هدف داری، بعد نگرش با ۲۰ فراوانی و ۳۵.۰۸ درصد فراوانی شامل: احترام به قانون و مقررات، عدالت خواهی و آزادی خواهی، توجه به فرهنگی ملی، پذیرش تنوع تفکرات، مسئولیت پذیری، صداقت، شجاعت و جسارت، ادب و نزاکت، بخشش، انصاف داشتن، دیگرخواهی، عیب پوشی، صلح طلبی، دور اندیشی، وفاداری، امنیت خواهی، خوش خلقی و خوشرویی، صمیمی بودن و داشتن مهارت همدلی، و بعد توانش با ۲۱ فراوانی و ۳۶.۸۴ درصد فراوانی شامل: مشارکت در امور، خودکنترلی، صبر کردن، امانت داری، تعادل رفتاری، رازداری، تلاشگری، وقت شناسی، همکاری کردن، رفاه و آسایش، منظم بودن، کار گروهی، استقلال مالی، اشتغال، برقراری ارتباط، حل مساله، رعایت اصول

* دکترای برنامه ریزی درسی، مأمور آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول) JavadJahan18@gmail.com

** دکترای فلسفه دین، مأمور آموزشی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، کرمانشاه، ایران.

*** دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، عضو هیئت علمی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

بهداشتی، مهارت تصمیم‌گیری و معاشرت با دیگران به ترتیب کمترین و بیشترین کد مفهومی را به خود اختصاص دادند. بر اساس این مؤلفه‌ها مدل مطلوب تربیت شهروند اسلامی ارائه شده است. توجه به نتایج پژوهش آموزش و پرورش را در مسیر تربیت شهروندی دانش‌آموزان کمک خواهد نمود.

واژه‌های کلیدی: ابعاد و مولفه‌ها، تربیت شهروندی، خبرگان

مقدمه

شهروندی^۱ مفهومی است که به افراد جامعه هویت رسمی و قانونی می‌بخشد و از یک طرف متضمن وظایف و مسئولیت‌ها و از طرف دیگر متضمن حقوق و خواسته‌های افراد است. شهروندی را باید ایجاد و نشر خلق و خوی شهروندی، تمایل عمل کردن در جهت نفع عموم و همچنین دقیق و حساس بودن نسبت به عواطف، نیازها و نگرش‌های دیگران قلمداد کرد. شهروندی دلالت بر تعهد یا وظیفه‌ای دارد که برای دیگران مناسب است و مهربانی و تدبیر را نشان داده و خدمات مطلوبی را به جامعه عرضه می‌کند (سامرز، ۲۰۰۲؛ به نقل از مهدوی و اسمی جوشقانی، ۱۳۹۲). ضرورت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی عصر حاضر موضوع تربیت شهروندی را به یکی از مهمترین زمینه‌های تصمیم و عمل در نظام آموزش و پرورش تبدیل کرده است. تربیت شهروندان مسئول و آگاه یکی از محوری‌ترین و بنیادین‌ترین رسالت‌های نظام‌های آموزشی در کشورهای مختلف است. هر کشوری در قالب آموزش رسمی و غیررسمی وظیفه آماده کردن شهروندان را برای ورود به زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دارد که این کار در قالب آموزش مستقیم شهروندی از طریق گنجانیدن عنوانی درسی با همین نام یا در قالب آموزش دروس مختلف انجام می‌پذیرد (جمالی تازه کند و همکاران، ۱۳۹۲). پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید؛ اَکْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ؛ فرزندان خود را گرامی بدارید و خوب تربیتشان کنید تا گناهان شما آمرزیده شود. (مکارم الاخلاق) به همین دلیل، در بسیاری از نظام‌های آموزشی جهان به منظور افزایش دانش و توانایی مشارکت شهروندان، برنامه‌هایی برای آموزش مهارت‌های شهروندی، طراحی و اجرا می‌شود تا افراد بتوانند توانمندی‌های لازم را برای زندگی در یک جامعه مدنی همانند تساهل، تسامح و حل

تضاد را از طریق گفتگو و مذاکره و مانند آن بیاموزند. این مفهوم از طریق توجه به مقوله تربیت شهروندی در برنامه‌های درسی و نظام آموزشی امکان پذیراست (سینتیا و سانگ، 2008؛ به نقل از فزونی شره جینی و همکاران، ۱۳۹۵).

متفکرانی که در مورد شهروندی، الگوها و ارزش‌های مربوط به آن مطالعه کرده‌اند منشأ ایده شهروندی را در یونان و روم باستان جستجو کرده‌اند و معتقدند مفهوم شهروندی و مردم‌سالاری ابتدا در یونان و در یک زمان متولد شدند (پونیتز نو، ۲۰۰۰؛ به نقل از آشتیانی و همکاران، ۱۳۸۶). اواخر قرن هفده و هیجده با ظهور متفکرانی چون جان لاک^۲ و ژان ژاک روسو^۳ مفاهیم جدیدی از شهروندی ارائه شد ژان ژاک روسو مفهومی جمع‌گرا از شهروندی براساس قرارداد اجتماعی مطرح کرد طبق این مفهوم، حقوق افراد در یک دموکراسی مبتنی بر قرارداد اجتماعی است که به دولت مشروعیت می‌دهد. برعکس جان لاک مفهومی فردگرایی از شهروندی ارائه داد که طبق آن حقوق برابر افراد و کاهش قدرت حکومتی مطرح شد. این مفهوم به تدریج طی تحولاتی در غرب نهادینه شد و شهروندی جنبه عمومی پیدا کرد. چنانچه گیدنز^۴ با اشاره به نهادینه شدن حقوق شهروندی نشان می‌دهد که این امر روندی انقلابی داشته و تعارض‌های شدید طبقاتی و اجتماعی را به همراه داشته است (گیدنز، ۱۹۹۸؛ به نقل از آشتیانی و همکاران، ۱۳۸۶). این مرور کوتاه، چگونگی پیچیده شدن مفهوم شهروندی و ارتباط آن را با بسترهای اجتماعی در غرب نشان می‌دهد. (آشتیانی و همکاران، ۱۳۸۵).

با وجود تمدن بزرگ و کهن، مفهوم شهروند در طی دوران مختلف تاریخی در ایران مشاهده نمی‌شود. ولی از دیرباز اندیشه بر ای تربیت انسان والا وجود داشته است. آنچه در لفظ و کلام یا به صورت حقوق رسمی مشاهده نمی‌شد در هنجارهای اجتماعی در بسیاری از ادوار وجود داشت و قدیمی‌ترین الگوی آن از تعلیمات زرتشت الهام گرفته شده بود. مذهب مقدس اسلام با شکستن سدهای اختلافات طبقاتی و نژادی و اعلام برابری انسانها الگوی تکامل یافته انسان الهی اجتماعی و خردورز را ارائه داد. «إِنَّ أُكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» ۵ همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین

1. Poiter naud
2. John Locke
3. Rousseau
4. Giddens

شماست یقیناً خدا دانا و آگاه است. و در اجتماعات گذشته مسلمین، افراد بسیاری با این الگو و اندیشه‌های بزرگ‌تر بیت شدند. چنانکه فارابی در کتاب آراء اهل مدینه فاضله با بیان ویژگی‌های شهروند آرمانی خود ارزش‌های شهروندان را به زیبایی بیان می‌کند: از جمله سعادت شهروند مطلوب فارابی در مشارکت و تعاون است و حرکت و رشد وی در سه بعد متفاوت قابل تمیز است: «نظام جهان طبیعت، نظام اجتماعی، نظام فردی» به علاوه شهر آرمانی فارابی شهری جهانی است، تعلیم و تربیت، دادوستد و گردش اندیشه‌ها در آن از اصول اولیه است (منصور فلامکی، ۱۳۶۷؛ به نقل از آشتیانی و همکاران، ۱۳۸۶). به هر حال به همان سان که وجود تفکرات و الگوهای شهروندی در غرب به برابری و تساوی افراد نینجامیده است، علی‌الرغم تاکید آیات و روایات برزندگی اجتماعی و همکاری و تعاون اجتماعی «وتعاونوا علی‌البر والتقوی»^۱، و یکدیگر را برانجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمائید. ولی متأسفانه عدم الگوی نهادینه شده شهروندی در ایران به دلیل حکومت‌های مطلقه، مانع ویژگی‌های هنجاری مانند تعاون، خودگردانی‌های محلی، پذیرش مسئولیت وطن پرستی و سایر ارزش‌های اخلاقی که مجموعه آنها آدمیت انسان مدنی را نشان می‌دهد، شده است. به طور کلی می‌توان گفت: الگوهای رفتاری عمدتاً در همه ادوار بر مبنای حقوق و تکالیف مذهبی، نسبت به وطن براساس وفاداری و نسبت به نظام حکومتی براساس اطاعت بوده و شهروندی غیر همگانی بوده است. در ایران اولین آشنایی با حقوق شهروندی و ارزش‌های آن با انقلاب مشروطیت آغاز شد و با وجود گذشت سال‌های طولانی و تجربه کردن انقلابی بزرگ‌تر و تغییرات بسیار در اندیشه‌ها هنوز نمی‌توان گفت که در زمینه حقوق و تکالیف شهروندی آگاهی عمومی و صحیح وجود دارد بنابراین تا زمانی که آگاهی وجود نداشته باشد شناخت وظایف و امکان انجام تکالیف نیز وجود نخواهد داشت (آشتیانی و همکاران، ۱۳۸۵). قرآن کریم در این آیه مبارکه به خوبی اهمیت آگاهی را بیان فرموده است: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ^۲ بگو آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابرند؟».

۱. سوره مبارکه المائده آیه ۲

۲. سوره مبارکه زمر آیه ۹

موضوع تربیت شهروندی از قرن‌ها قبل مورد توجه متفکران و اندیشمندان بوده است. شاید بتوان گفت افلاطون (۴۲۷-۳۴۷ ق.م) از جمله اولین کسانی است که این موضوع را مورد توجه قرار داد (قلناش، ۱۳۹۱). بی‌گمان تربیت شهروندان خوب یکی از مهمترین دل‌مشغولی‌های اکثر نظام‌های تعلیم و تربیت در بسیاری از کشورهای دنیاست (وزیری و جهانی، ۱۳۸۵). شهروندی از مفاهیم با اهمیت در حوزه علوم اجتماعی است که ناظر بر نوع روابط میان افراد با یکدیگر است، روابطی که از سوی دولت نیز حمایت می‌شود. مفهوم محوری شهروندی حقوق و وظایفی است که هر یک از افراد به عنوان عضوی از اجتماع بر عهده دارند (کوی، ۲۰۰۵؛ به نقل از قاسم پورخشرودی و صفار حیدری، ۱۳۹۴). مفهوم تربیت شهروندی، مفهومی است کلی که به مطالعات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و فنی در جامعه وابسته است و می‌توان آن را به آموزش شیوه‌های زندگی کردن با یکدیگر به طور خاص در یک جامعه و به طور عام در جامعه جهانی اطلاق کرد. اصولاً بدون داشتن تصویر و توصیف روشنی از فرایند تربیت شهروندی در هر جامعه نمی‌توان به تدوین اهداف، اصول، روش‌ها و مراحل تربیت ناظر بر وضع مهیاسازی افراد به عنوان شهروندان مورد پسند جامعه پرداخت (آقازاده، ۱۳۸۵). تربیت شهروندی، مفهومی است کلی که به مطالعات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و فنی در جامعه وابسته است و می‌توان آن را به آموزش شیوه‌های زندگی کردن با یکدیگر، به طور خاص در یک جامعه و به طور عام در جامعه جهانی اطلاق کرد (هاشمی، ۱۳۸۹).

در این جا منظور از تربیت شهروندی، آشنا ساختن فراگیران با حقوق و وظایفی است که عضو هر شهری بدانها نیازمند است. چنین کاری از همان اوان تحصیل آغاز می‌شود و تا دوران آموزش عالی تداوم می‌یابد. در طی این دوران نسبتاً طولانی است که فراگیران به فراخور توانایی شناختی و ادراکی خود با سطوح و لایه‌های گوناگون حقوق و وظایف شهروندی آشنا می‌شوند و دانش و مهارت‌های ضروری مرتبط با آن را می‌آموزند و به عمل در می‌آورند. امام علی (ع) درباره اهمیت این نکته فرموده است: «قیمه کل امری ما یحسنه ۱»، «قیمت و ارزش هرکس به اندازه کاری است که می‌تواند آن را به خوبی انجام دهد» با این همه توجه به این نکته نیز لازم است که آموزش

شهروندی در درون چارچوبی از نظام ارزش‌ها، بینش‌ها و الگوهای شناخته شده در مشارکت جمعی جامعه انجام می‌گیرد (خطیب زمانی، ۱۳۸۶؛ به نقل از قاسم پورخشرودی و صفار حیدری، ۱۳۹۴).

تافلر برای تحقق این منظور ضروری می‌داند که همه ملت‌ها، پیشرفته یا در حال پیشرفت، باید در مجموعه اهداف و آرمان‌های تربیتی خویش، علاوه بر هدف‌های ملی و منطقه‌ای، هدف‌های جهانی را نیز بیفزایند تا بدین سان انسان فرهیخته فردا ناگزیر برای زندگی فعال و مؤثر در دنیای جهان شمول کنونی به عنوان شهروند جهانی صلاحیت‌ها و توانمندی‌های لازم را کسب کند (گرین سورین، ۲۰۰۱؛ به نقل از آقازاده، ۱۳۸۵). تربیت شهروندی تدارک فرصت‌هایی برای اشتغال دانش‌آموزان در تجربه‌های معنادار یادگیری است. به گونه‌ای که به تسهیل رشد آنها به عنوان افراد متعهد و فعال اجتماعی و سیاسی بینجامد (هومانا و همکاران، ۲۰۰۶). امیل دور کیم، بر این باور است که مجموعه خصلت‌های آموزشی که برای تربیت شهروندان در جوامع مختلف اولاً در دوره‌های مختلف از نظر اهداف، فلسفه، روش و محتوا متفاوت است؛ ثانیاً این گونه تربیت با توجه به ساختار اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی هر جامعه صورت می‌پذیرد و برنامه ریزی آن باید به دست نوابغ و صاح‌بنظران در عرصه سیاست، فرهنگ و اقتصاد صورت پذیرد. او مهارت و صلاحیت‌های لازم برای اعمال شهروندی را به ویژه در میان ممالک اروپای غربی (فرانسه، آلمان، بلژیک، سوئیس و ...) از طریق ارائه مطالب موضوعاتی در کلیه دروس مدارس و در مقطع تحصیلی ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی توصیه می‌کند و اهم این توانایی‌ها را چنین رده بندی می‌کند:

- توانایی در برخورد منطقی و سنجیده در جهت حل و فصل رضای تبخس معضلات و دشواری‌ها.
- توانایی در کار کردن با دیگران به صورت همکاری و پذیرفتن مسئولیت‌های اجتماعی خویش.
- توانایی درک و تفاهم و تحمل تفاوت‌های فرهنگی.
- توانایی تفکر انتقادی در سامان بخشی و سازندگی.
- توانایی حل تعارضات خود با دیگران با روش‌های مسالمت آمیز.

- توانایی درک حقوق بشر و دفاع از آن، چه در جامعه‌ی خویش و چه در جامعه‌ی بین‌المللی.
 - توانایی درک و شناسایی هنجارهای فرهنگی خود در جهت غنی‌تر ساختن و توسعه‌ی فرهنگ بومی و قومی.

- توانایی در نظم‌پذیری جمعی و بهره‌گیری از نگرش علمی از باورهای فرهنگی جامعه‌ی خود (امیل دورکیم، ۲۰۰۳؛ به نقل از آقازاده، ۱۳۸۵).

بررسی عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری اخلاق شهروندی مساله مهمی به نظر می‌رسد. چرا که در جامعه ایرانی نقش عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری دستخوش تغییراتی شده است به گونه‌ای که احساس می‌شود بعضی نهادهای اصلی و مسئول در این فرایند مهم نقششان کم رنگ‌تر از گذشته شده است و بار مسئولیت خود را بر دوش دیگر عوامل گذاشته باشند. اگر چنین باشد می‌توان پیامدهای نه چندان خوشایندی را برای جامعه‌ای که با سرعت مراحل شهری شدن را پشت سر می‌گذارد انتظار داشت. از این رو، پرداختن به عوامل تاثیرگذار بر جامعه‌پذیری اخلاق شهروندی و شناسایی سهم هر یک از این عوامل در تقویت و نهادینه کردن اخلاق شهروندی ضروری است (نیکوگفتار و باشی، ۱۳۹۵: ۴). ضرورت‌های مذکور سبب شده است تا در بسیاری از نقاط جهان به منظور افزایش دانش و توانایی مشارکت شهروندان، برنامه‌های آموزش مهارت‌های شهروندی طراحی و اجرا شود تا افراد بتوانند قابلیت‌های لازم برای زندگی در یک جامعه مدنی را مانند تساهل، تسامح و حل تضاد از طریق گفتگو و مذاکره و مانند آن بیاموزند. این مفهوم تنها از طریق توجه به مقوله تربیت شهروندی در برنامه‌های درسی و نظام آموزشی امکان‌پذیر است (فتحی و اجارگاه و همکاران، ۱۳۸۷؛ به نقل از جمالی تازه‌کند و همکاران، ۱۳۹۲).

فرم‌هینی فراهانی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان "الگوی تربیت شهروندی فضیلت‌گرای ارتباطی: الگویی برای تربیت سیاسی و اجتماعی" انجام داده است. و در این زمینه شانزده الگوی نظری از جمله رویکرد آموزش مستقیم سیاسی مدنی، رویکرد مدارس دموکراتیک، رویکرد آسیب‌شناسی اجتماعی، رویکرد قانون‌محور، رویکرد نظام‌دار، الگوی فردگرایانه و لیبرالی، الگوی جمهورگرایانه و نولیبرالی، الگوی فمینیستی، الگوی شهروند جهانی، الگوی شهروند زیست بومی، رویکرد انتقال فرهنگی، رویکرد شهروندی دموکراتیک و رویکرد تغییر اجتماعی شناسایی شد که کلاً در دو رویکرد جامع "محافظه کار" و "پیشرفت‌گرا" قابل تقسیم است. در این میان رویکرد "تربیت

شهروندی فضیلت گرای ارتباطی "به عنوان رویکرد پیشنهادی برای تربیت سیاسی اجتماعی جمهوری اسلامی معرفی شده است.

نتایج پژوهش فزونی شره جینی و همکاران (۱۳۹۵) با عنوان "چالش‌های برنامه‌دستی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی در تربیت شهروندی- اجتماعی براساس مدل تایلر" نشان می‌دهد که: که در عنصر «هدف‌ها» مقوله ناتوانی هدف‌های تربیت شهروندی در برقراری ارتباط مؤثر بین مدرسه و مؤسسات بیرون از مدرسه؛ در عنصر «محتوا» در بی توجه به تلفیق مفاهیم و مهارت‌های شهروندی در حوزه‌های مختلف یادگیری، در عنصر «فعالیت‌های یاددهی و یادگیری» عدم اجرای فعالیت‌های مناسب و در عنصر «ارزشیابی» عدم توجه به خلاقیت و نوآوری فراگیران؛ بالاترین اولویت را در بین چالش‌های مطرح شده به خود اختصاص داده‌اند.

نیکو گفتار و باشی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "عوامل مؤثر بر جامعه پذیری اخلاق شهروندی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس)" به این نتیجه رسیدند که: هر چه بر میزان نقش خانواده، نهاد آموزشی، گروه همسالان و رسانه‌های جمعی افزوده می‌شود اخلاق شهروندی افزایش می‌یابد.

بر اساس نتایج پژوهش قاسم پور خوشرودی و صفارحیدری (۱۳۹۴) می‌توان گفت که به طور کلی تربیت شهروند اسلامی در دانشگاه محقق نشده است. به سخن دیگر دانشگاه در عمل برنامه روشنی برای تحقق تربیت شهروند اسلامی ندارد.

تازه کند و همکاران (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان "تحلیل جایگاه مؤلفه‌های تربیت شهروندی در محتوای برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه" انجام دادند. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر بازنگری برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه در راستای توجه بیشتر به مؤلفه‌ها و شاخص‌های کمتر مورد توجه، ضروری به شمار می‌آید.

قلناش (۱۳۹۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که دیدگاه‌های انتقادی، بازسازی اجتماعی و شهروند فرهنگی حامی رویکرد تربیت شهروندی پیشرفت گرا می‌باشند. دیدگاه شهروندی دموکراتیک متضمن دلالت‌هایی برای هر دو رویکرد تربیت شهروندی محافظه کار و پیشرفت گرا است و دیدگاه انتقال فرهنگی نیز جهت گیری محافظه کارانه در تربیت شهروندی دارد.

یافته‌های پژوهش حسینی مهر و همکاران (۱۳۹۰) حاکی از وجود نیاز و آسیب پذیری برنامه‌ی درسی فعلی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی، از لحاظ مهارت‌های تربیت شهروندی است و این نیازها در ابعاد فردی، فرهنگی و سیاسی نمود بیشتری دارد. نتایج به دست آمده از پژوهش کرم افروز و همکاران (۱۳۹۰) تحت عنوان "طراحی الگوی تربیت شهروندی برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی" بدوین صورت مطرح شده که اهداف و محتوای برنامه مورد نظر در قالب عملکردی و در بستر فعالیت‌های اجتماعی و مسئله محور برای شاگردان معرفی شده است. شیوه‌های سازماندهی برنامه مذکور از نوع تلفیقی و رویکردهای مرتبط با در هم تنیدگی مطرح شده است.

بهشتی (۱۳۸۶) در پژوهش خود شاخص‌های شهروندی در کتاب‌های علوم اجتماعی دوره متوسطه را بررسی کرده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بیشترین توجه در میان ابعاد متفاوت شهروندی، به بعد حقوق سیاسی شده است؛ زیرا از مجموع ۷۰ مورد اشاره به این مؤلفه‌ها، ۳۰ مورد به مسائل سیاسی نظیر حق تعیین سرنوشت، حق رأی، حق آزادی، حق آزادی راهپیمایی و آزادی احزاب اختصاص یافته بود. آشتیانی و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهش خود "لحاظ کردن ارزش‌های شهروندی در برنامه درسی برای تدریس در دوره دبستان" نتیجه گرفتند که یکی از دغدغه‌های مفهومی و ذهنی بین‌المللی جدید در عرصه آموزش و پرورش طی چند سال اخیر مسئله آموزش ارزش‌های شهروندی است.

عسکریان (۱۳۸۵) پژوهشی تحت عنوان "جایگاه فرهنگ‌های قومی در تربیت شهروند" انجام داده است. این پژوهش با توجه به مفهوم کلی فرهنگ، فرهنگ‌های قومی و مردمی، جایگاه فرهنگ‌ها در برنامه‌های آموزش و پرورش رسمی در جهت سازگاری اجتماعی و تجلی فرد آموزش دیده به عنوان یک شهروند، تنظیم شده است. تاروگ (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان "آموزش شهروندی: پرورش استعداد انتقادی برای انجام ارزش‌های جهانی در سطح ملی"، مطرح می‌سازد که آموزش و پرورش به برنامه‌ای نیاز دارد که به آموزگاران آموزش می‌دهد تا چگونه از طریق گفتگو در کلاس درس حمایت و تقویت یک فرهنگ انتقادی را ایجاد کنند و

شهروندی را تربیت کنند که توانایی استفاده از تخیل و تفکر انتقادی خود را برای همکاری در یک جامعه چند فرهنگی داشته باشد.

سو (۲۰۱۳) پژوهشی تحت عنوان "آموزش شهروندی جهانی" انجام داده است براساس نتایج در خصوص شهروند جهانی می‌توان گفت: آنچه به معنای شهروندی در یک فضای جهانی است به سرعت در حال تغییر است، آموزش و پرورش برای آموزش شهروندی جهانی مشتاق است تا جوانان را ارتقاء دهد و این موضوع را مطرح می‌سازد که چگونه این فرایند می‌تواند برای رسیدن به عدالت اجتماعی به اندازه کافی انتقادی و چالش برانگیز باشد.

کندی (۲۰۱۲) در پژوهش خود تحت عنوان "در بررسی روند آموزش جهانی مدنی و شهروندی: چه درسهایی برای ملت‌ها هست؟" آموزش مدنی و شهروندی جزء برنامه درسی مدرسه است در کشورهای مختلف زمان طول کشیدن، اهداف آن و نحوه اجرای آن متفاوت است. فشارهای جهانی شدن در زمان‌های اخیر به معنای آن بوده است که این شهروندی به طور فزاینده‌ای در شرایط جهانی به وجود آمده است، فرآیندهای مانند مهاجرت فراملیتی، همگن سازی فعالیت‌های فرهنگی و توسعه گروه بندی‌های فراملیتی که اغلب به نظر می‌رسد نسخه‌های محلی را به چالش می‌کشد.

نیکسون (۲۰۱۲) در پژوهش خود استدلال می‌کند که در یک جهان در سراسر جهان متصل و وابسته، آموزش و پرورش برای تربیت شهروندی جهانی ضروری است. تاکید او بر نیاز به آنچه که او "آموزش‌های تفسیری" تعریف می‌کند است، که ارزش تکثر دیدگاه‌ها و عقیده را بر عهده دارد و طبیعت گفتاری و تعاملی یادگیری را به رسمیت می‌شناسد. او ادامه می‌دهد که آموزش شهروندی جهانی، یک مزیت عمومی است که نه تنها به دانش آموزان و دانش آموزان مربوطه، بلکه برای رفاه عمومی جامعه نیز کمک می‌کند.

باخت هینا و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهش خود به بررسی وضعیت آموزشی شهروندی: مطالعه موردی از پاکستان پرداختند. نتایج نشان داد که: (الف) تمریناتی که در کتاب درسی ارائه شده است، به یادگیری آسان‌تر در رابطه با آموزش شهروندی کمک می‌کند. (ب) همچنین یک چارچوب چهارگانه مورد استفاده قرار گرفت (۱) شناسایی حقوق و (۲) مسئولیت، (۳) معنا شهروندی / زندگی عمومی / قانون و (۴)

ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی. علاوه بر این، در این زمینه، تأکید بر مجموعه مهارت‌های مهم ذهنی، ذهنی، اجتماعی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. ویوگرز (۲۰۱۰) در پژوهش خود توسعه آموزش شهروندی و امکانات آن در دو سطح سیاستگذاری مطرح می‌سازد: دولت و مدارس. در سطح دولتی و سیستمی، ما موارد همچون: گفت‌وگو، سیاست آموزشی؛ سیاست برنامه درسی مدنی جامعه؛ خودمختاری مدارس؛ تفاوت بین مدارس و گفت‌وگو، سیاست آموزشی را در نظر می‌گیریم. در سطح مدرسه ما مکان آموزش شهروندی را در برنامه درسی، مالکیت معلمان، رویکرد آموزش روانشناختی و دیدگاه دانشجویان در مورد آموزش شهروندی را تحلیل خواهیم کرد.

نتایج تحقیق دیگری تحت عنوان "تفاهم عمومی و تربیت مدنی، تعلیم و تربیت به منظور تغییر و مشارکت دموکراتیک در جامعه تفاهمی توسط وک^۱ (۲۰۰۲) حاکی است که سیاست‌های جاری در راستای حل مسائل عمومی انجام نمی‌شود. همچنین شواهد نشان می‌دهد که شهروندان فقط در سیاست‌هایی که در زمینه حل مسائل عمومی اعمال می‌شود، مشارکت می‌کنند. محقق نتیجه می‌گیرد که نظام تعلیم و تربیت، دانش آموزان را برای مشارکت سیاسی که مستلزم تعمق گروهی یا تحقیق جمعی درباره مسائل مشترک است آماده نمی‌کند (فرمینی فراهانی، ۱۳۹۵). دقت در پیشینه نظری و پژوهشی تربیت شهروندی نشان می‌دهد که اندیشمندان در نظام‌های آموزشی مختلف به اهمیت آن پی برده‌اند و درصدد طراحی برنامه‌های ویژه و تأثیر گذار برای بهبود مهارت‌های شهروندی و شهروند جهانی هستند. همچنین با توجه به این که یکی از مبانی تربیتی در نظام تربیتی اسلامی "تأثیر باطن بر ظاهر"؛ برای اصلاح ظاهر باید باطن را هدف قرار داد و با آموزش و اصلاح باطن که آموزش مفاهیم تربیتی و اصول شهروندی است، رفتار و کردار ظاهری فرد که همان رعایت اصول شهروندی است را اصلاح کرد. در این بین تحلیل ابعاد، مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر تربیت شهروندی می‌تواند سیاست گذاران حوزه برنامه‌های درسی، اندیشمندان حوزه مطالعات اجتماعی و تربیتی را کمک نماید تا بر اساس شناخت دقیق‌تر از تربیت شهروندی و ویژگی‌های آن برنامه‌های دقیق، طولانی مدت و نتیجه محوری را تهیه، تدوین و اجرا و ارزشیابی نمایند. در این بین جای خالی

این پژوهش‌ها در کشورمان احساس می‌شود. بر همین مبنا پژوهش حاضر سعی دارد اولاً بر اساس ادبیات پژوهش و منابع و اسناد معتبر مرتبط با تربیت شهروندی و اکاوی دقیقی از مفاهیم مندرج در آن ارائه دهد و سپس با استفاده از نظرات خبرگان حوزه تربیت شهروندی، ابعاد و مؤلفه‌های تربیت شهروندی را استخراج نماید. نتایج این پژوهش می‌تواند اندیشمندان، سیاست‌گذاران و متخصصان حوزه برنامه‌دستی را در تدوین، تهیه، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های درسی مبتنی بر تربیت شهروندی کمک نماید.

روش

روش پژوهش کیفی با اهداف کاربردی و از نوع بررسی اسنادی و داده‌بنیاد است، ابزار گردآوری داده‌ها شامل چک لیست بررسی اسناد، مصاحبه نیمه ساختاریافته است. نمونه آماری شامل منابع مرتبط با تربیت شهروندی و همچنین ۵ نفر از خبرگان حوزه تربیت شهروندی است. روش نمونه‌گیری در دسترس بود. داده‌های لازم از دو منبع: الف) «مطالعه اسناد معتبر علمی»، ب) «مصاحبه با خبرگان» جمع‌آوری گردید. در بخش مطالعه‌ی متون از تحلیل متن کیفی به روش قیاسی - استقرایی و روش تحلیل مضمون بهره‌گرفته شد و برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه از روش تحلیل و تفسیر داده‌ها استفاده شد. جهت جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه نیمه استاندارد به‌عنوان شیوه تکامل‌یافته مصاحبه نیمه-ساخت‌یافته استفاده شده که توسط شیله و گروبن مطرح شده است. شیله و گروبن^۱ (۱۹۸۸) تکنیک مصاحبه نیمه استاندارد را برای بازسازی نظریه‌های شخصی به‌عنوان شکل بسط یافته‌ای از مصاحبه نیمه ساخت‌یافته مطرح می‌کنند. آن‌ها این رویکرد را برای مطالعه نظریه‌های شخصی به‌مانند الگویی ویژه برای مطالعه دانش روزمره به وجود آوردند و آن را به‌مثابه مخزن پیچیده‌ای از دانش درباره موضوع مورد مطالعه در میدان‌هایی نظیر مدرسه و سایر مراکز کار حرفه‌ای بسط دادند. در این تکنیک هر موضوعی با یک سؤال باز شروع می‌شود و مصاحبه‌شونده به‌صورت خودانگیخته^۲ به سؤال پاسخ می‌دهد و سپس آن را با یک سؤال مواجهه‌ای^۳ به پایان می‌برد. سؤالات مواجهه‌ای، به نظریه‌ها و روابطی که

1. Shyle and Gruben

2. Spontaneously

3. Confrontational

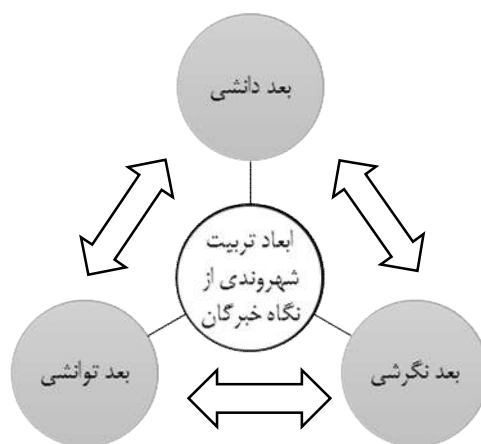
مصاحبه‌شونده تا آن لحظه مطرح کرده است واکنش نشان می‌دهد تا آن‌ها بدین طریق این تصورات را در پرتو بدل‌های رقیبشان مورد بازنگری انتقادی قرار دهند. سپس از تکنیک ساختارگذاری^۱ (SLT)^۲ استفاده می‌شود. در این مرحله، رئوس مطالب مرحله اول پیاده و به‌طور اجمالی تحلیل محتوا می‌شود. در نشست دوم، اصلی‌ترین اظهارات مصاحبه‌شونده به شکل مفاهیم در اختیار وی قرار می‌گیرد. این نشست یک یا حداکثر دو هفته بعد از مصاحبه اول صورت می‌گیرد. با این کار، اعتبار گزاره‌های مصاحبه قبلی توسط مصاحبه‌شونده ارزیابی می‌شود (فلیک ۱۳۸۷، ۱۷۲-۱۷۷). تحلیل داده‌های کیفی پژوهش با استفاده از نظریه زمینه‌ای انجام گرفت. یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌های کیفی با استفاده از نظریه‌ی بنیانی، پس از استخراج کدهای اصلی و تشکیل کدهای محوری، در ۳ بعد طبقه بندی گردید. واحد داده‌های مورد نیاز استخراج و تنوع آنها به صورت فراوانی به ثبت رسیده است. ضمناً از شاخص‌های آمار توصیفی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها بهره برداری گردیده است. روش گرد آوری‌ها داده به این صورت بود که با مطالعه و بررسی اسناد معتبر علمی، مفاهیمی در خصوص تربیت شهروندی استخراج گردید، و بر اساس این مفاهیم متن و سؤالات مصاحبه آماده شد. سپس این متن و سؤالات به چند نفر از متخصصان حوزه زبان و ادبیات فارسی جهت بررسی روایی صوری و چند نفر از متخصصان حوزه جامعه‌شناسی و تربیتی جهت بررسی محتوایی ارائه گردید. که بر اساس نظرات ایشان پرسش‌نامه تعدیل و اصلاح گردید. زمان مصاحبه با اساتید و خبرگان هماهنگ شد و در یک جلسه مصاحبه انجام گردید. مطالب مصاحبه با ضبط صوت ثبت گردید، همچنین یادداشت‌هایی برداشته شد. متن مصاحبه به شکل نوشتاری تهیه شد و سپس به تحلیل، کد گذاری و طبقه بندی ابعاد و مؤلفه‌های اقدام گردید. پس از آن، مفاهیم استخراج‌شده از مصاحبه‌ها، با مصاحبه‌شونده مورد بحث قرار گرفت؛ بدین صورت که جرح و تعدیلی در برداشت از مصاحبه مورد نظر مصاحبه‌شوندگان بود اعمال گردید. سپس مفاهیم در قالب مقولات اصلی بازسازی معنایی شد تا مقولات مربوط تربیت شهروندی و همین‌طور مقولات مغفول مانده مشخص گردند.

-
1. Structure Technique
 2. Structure Laying Technique

جدول ۱. دموگرافی مصاحبه‌شوندگان

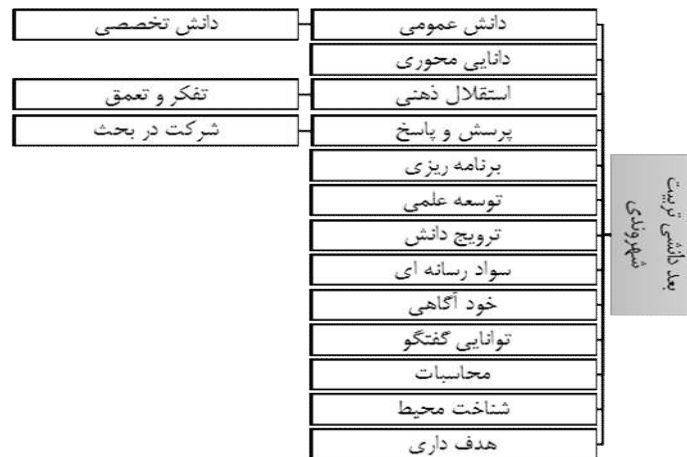
کد	گرایش	دانشگاه اخذ مدرک	نوع اشتغال دانشگاه	رتبه علمی	سن	جنس
۱	جامعه‌شناسی	هلند	دولتی	استادیار	۴۵	مرد
۲	برنامه‌ریزی درسی	ایندیانا آمریکا	دولتی	استادیار	۴۰	مرد
۳	الهیات و معارف	شهید بهشتی	آزاد اسلامی	دانشیار	۴۹	مرد
۴	علوم سیاسی	شهید بهشتی	آزاد اسلامی	استاد	۵۶	مرد
۵	مدیریت آموزشی	پیام نور	پیام نور	دانشیار	۵۰	مرد

یافته‌ها



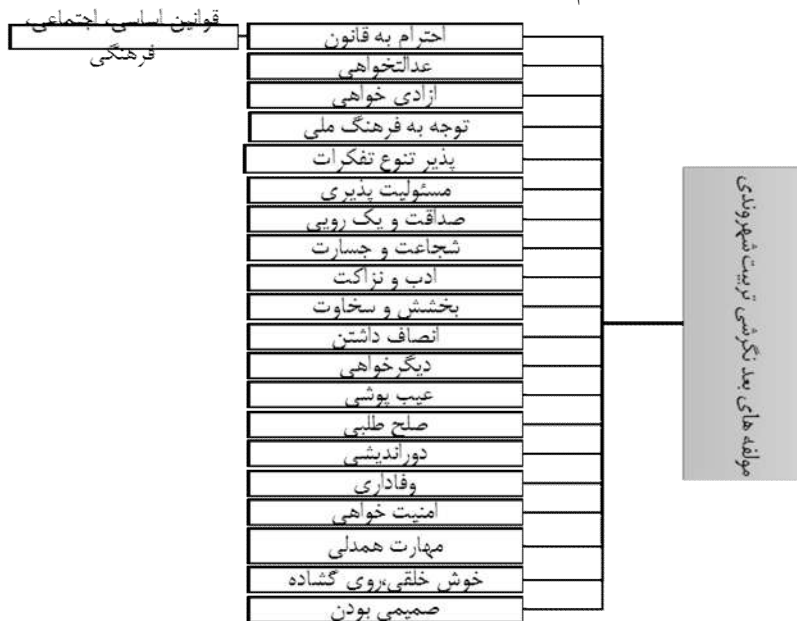
شکل ۱. ابعاد تربیت شهروندی از منظر خبرگان

بر اساس شکل ۱ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از دیدگاه خبرگان حوزه تربیت شهروندی دارای سه بعد دانشی، نگرشی و توانشی است. که این ابعاد در یک ارتباط متقابل با همدیگر هستند، و هر کدام بر ابعاد دیگر تأثیر پذیر و تأثیر گذار است. که هر یک از این ابعاد دارای مؤلفه‌های ویژه خود هستند.



شکل ۲. مؤلفه‌های بعد دانشی تربیت شهروندی از منظر خبرگان

یافته‌های مندرج در شکل شماره ۲ نشان می‌دهد که در بعد دانشی تربیت شهروندی دارای ۱۶ مؤلفه است، مؤلفه‌های دانش عمومی و تخصصی، دانایی محوری، استقلال ذهنی، تفکر و تدبر و تعمق، برنامه ریزی، پرسش و پاسخ و مشارکت در بحث، توسعه علمی، ترویج دانش، توانایی محاسبات، توانایی گفتگو، سواد رسانه‌ای، شناخت محیط اطراف و هدف داری از مهم‌ترین مؤلفه‌های تربیت شهروندی هستند.



شکل ۳. مؤلفه‌های بعد نگرشی تربیت شهروندی از منظر خبرگان

نتایج مندرج در شکل شماره ۳ نشان می‌دهد که بعد نگرشی تربیت شهروندی از نظر خبرگان دارای ۲۰ مؤلفه است. این مؤلفه‌ها شامل: احترام به قانون و مقررات، عدالت خواهی و آزادی خواهی، توجه به فرهنگی ملی، پذیرش تنوع تفکرات، مسئولیت پذیری، صداقت، شجاعت و جسارت، ادب و نزاکت، بخشش، انصاف داشتن، دیگرخواهی، عیب پوشی، صلح طلبی، دور اندیشی، وفاداری، امنیت خواهی، خوش خلقی و خوشرویی، صمیمی بودن و داشتن مهارت همدلی است.



شکل ۴. مؤلفه‌های بعد توانشی از نظر خبرگان حوزه تربیت شهروندی

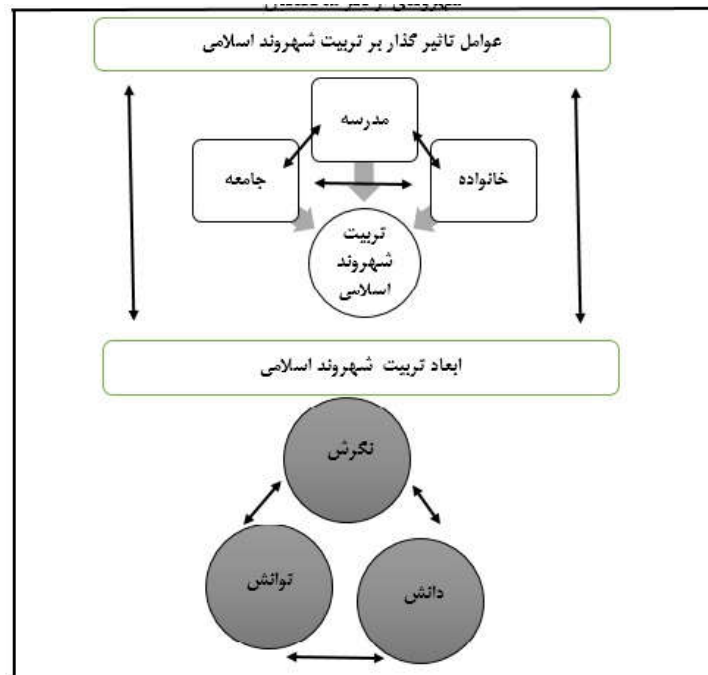
یافته‌های مندرج در شکل شماره ۴ نشان می‌دهد که بعد توانشی تربیت شهروندی از نظر خبرگان دارای ۲۱ مؤلفه است. این مؤلفه‌ها شامل: مشارکت در امور، خودکنترلی، صبر کردن، امانت داری، تعادل رفتاری، رازداری، تلاشگری، وقت شناسی، همکاری کردن، رفاه و آسایش، منظم بودن، کار گروهی، استقلال مالی، اشتغال، برقراری ارتباط، حل مساله، رعایت اصول بهداشتی، مهارت تصمیم گیری و معاشرت با دیگران است.

جدول ۲. نظرات اساتید در خصوص ابعاد و مؤلفه‌های تربیت شهروندی

ابعاد	مؤلفه‌های تربیت شهروندی	فراوانی	درصد فراوانی
دانشی	مؤلفه‌های دانش عمومی و تخصصی، دانایی محوری، استقلال ذهنی، تفکر و تدبیر و تعمق، برنامه ریزی، پرسش و پاسخ و مشارکت در بحث، توسعه علمی، ترویج دانش، توانایی محاسبات، توانایی گفتگو، سواد رسانه‌ای، شناخت محیط اطراف و هدف داری	۱۶	۲۸.۰۷۰
نگرشی	شامل: احترام به قانون و مقررات، عدالت خواهی و آزادی خواهی، توجه به فرهنگی ملی، پذیرش تنوع تفکرات، مسئولیت پذیری، صداقت، شجاعت و جسارت، ادب و نزاکت، بخشش، انصاف داشتن، دیگرخواهی، عیب پوشی، صلح طلبی، دور اندیشی، وفاداری، امنیت خواهی، خوش خلقی و خوشرویی، صمیمی بودن و داشتن مهارت همدلی	۲۰	۳۵.۰۸۷
توانشی	شامل: مشارکت در امور، خودکنترلی، صبر کردن، امانت داری، تعادل رفتاری، رازداری، تلاشگری، وقت شناسی، همکاری کردن، رفاه و آسایش، منظم بودن، کار گروهی، استقلال مالی، اشتغال، برقراری ارتباط، حل مساله، رعایت اصول بهداشتی، مهارت تصمیم گیری و معاشرت با دیگران	۲۱	۳۶.۸۴۲
جمع	۵۷ مؤلفه	۵۷	۱۰۰

یافته‌های مندرج در جدول ۲ نظرات اساتید در خصوص ابعاد و مؤلفه‌های تربیت شهروندی نشان می‌دهد در مجموع از مصاحبه‌های انجام شده با اساتید ۵۶ مؤلفه استخراج شده است، و در ابعاد مختلف دسته بندی شده‌اند. در این بین بعد دانش دارای ۱۶ فراوانی و ۲۸.۰۷ درصد شامل مؤلفه‌های دانش عمومی و تخصصی، دانایی محوری، استقلال هنی، تفکر و تدبیر و تعمق، برنامه ریزی، پرسش و پاسخ و مشارکت

در بحث، توسعه علمی، ترویج دانش، توانایی محاسبات، توانایی گفتگو، سواد رسانه‌ای، شناخت محیط اطراف و هدف داری، بعد نگرش با ۲۰ فراوانی و ۳۵.۰۸ درصد فراوانی شامل: احترام به قانون و مقررات، عدالت خواهی و آزادی خواهی، توجه به فرهنگی ملی، پذیرش تنوع تفکرات، مسئولیت پذیری، صداقت، شجاعت و جسارت، ادب و نزاکت، بخشش، انصاف داشتن، دیگرخواهی، عیب پوشی، صلح طلبی، دور اندیشی، وفاداری، امنیت خواهی، خوش خلقی و خوشرویی، صمیمی بودن و داشتن مهارت همدلی، و بعد توانش با ۲۱ فراوانی و ۳۶.۸۴ درصد فراوانی شامل: مشارکت در امور، خودکنترلی، صبر کردن، امانت داری، تعادل رفتاری، رازداری، تلاشگری، وقت شناسی، همکاری کردن، رفاه و آسایش، منظم بودن، کار گروهی، استقلال مالی، اشتغال، برقراری ارتباط، حل مساله، رعایت اصول بهداشتی، مهارت تصمیم گیری و معاشرت با دیگران به ترتیب کمترین و بیشترین کد مفهومی را به خود اختصاص دادند. که توجه به این مؤلفه‌ها می‌تواند به تربیت یک شهروند جهانی کمک کند.



شکل ۵. ارائه‌ی مدل شایستگی رفتاری تربیت اسلامی، بر اساس ابعاد و مؤلفه‌های تربیت شهروندی از نظر متخصصان

بحث و نتیجه گیری

بر اساس تحلیل متون حاصل از مصاحبه با خبرگان حوزه تربیت شهروندی یافته‌ها نشان می‌دهد که از نظر خبرگان سه بعد مهم دانشی، نگرشی و توانشی از مهم‌ترین ابعاد تربیت شهروندی هستند. بعد دانشی شامل دانش عمومی و تخصصی، دانایی محوری، استقلال هنی، تفکر و تدبیر و تعمق، برنامه ریزی، پرسش و پاسخ و مشارکت در بحث، توسعه علمی، ترویج دانش و هدف داری است. بعد نگرشی شامل احترام به قانون و مقررات، عدالت خواهی و آزادی خواهی، مسئولیت پذیری، صداقت، شجاعت و جسارت، ادب و نزاکت، بخشش، انصاف داشتن، دیگرخواهی، عیب پوشی، صلح طلبی، دور اندیشی، وفاداری، امنیت خواهی، خوش خلقی و خوشرویی می‌باشد، و همچنین بعد توانشی و مهارتی شامل مشارکت در امور، خودکنترلی، صبر کردن، امانت داری، تعادل رفتاری، رازداری، تلاشگری، وقت شناسی، همکاری کردن، رفاه و آسایش، منظم بودن، کار گروهی، استقلال مالی، اشتغال و معاشرت با دیگران است. که در این بین بعد نگرشی از نظر اساتید و خبرگان دارای اهمیت ویژه‌ای است و بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. نتایج پژوهش با پژوهش فرمبینی فراهانی (۱۳۹۵)، قاسم پور خوشرودی و صفارحیدری (۱۳۹۴) هماهنگ است. همچنین یافته‌های پژوهش با یافته‌های قلتاش (۱۳۹۱)، و یافته‌های پژوهش حسینی مهر و همکاران (۱۳۹۰) هم سو است. یافته‌های پژوهش با یافته‌های نتایج پژوهش فزونی شره جینی و همکاران (۱۳۹۵) نیز هماهنگ است. بر اساس این پژوهش در عنصر «هدف‌ها» مقوله ناتوانی هدف‌های تربیت شهروندی در برقراری ارتباط مؤثر بین مدرسه و مؤسسات بیرون از مدرسه؛ در عنصر «محتوا» در بی توجه به تلفیق مفاهیم و مهارت‌های شهروندی در حوزه‌های مختلف یادگیری، در عنصر «فعالیت‌های یاددهی و یادگیری» عدم اجرای فعالیت‌های مناسب و در عنصر «ارزشیابی» عدم توجه به خلاقیت و نوآوری فراگیران؛ بالاترین اولویت را در تربیت شهروندی دارند و از چالش‌های اصلی محسوب می‌شوند. یافته‌های پژوهش با نتایج پژوهش نیکو گفتار و باشی (۱۳۹۵)، مبنی بر این که هر چه بر میزان نقش خانواده، نهاد آموزشی، گروه همسالان و رسانه‌های جمعی افزوده می‌شود اخلاق شهروندی افزایش می‌یابد نیز هم سو است. همچنین می‌توان گفت

نتایج پژوهش با یافته‌های تازه کند و همکاران (۱۳۹۲)، کرم افروزو همکاران (۱۳۹۰)، بهشتی (۱۳۸۶) نیز هم جهت است. بر اساس نتایج پژوهش پیشنهاد می‌گردد:

در برنامه درسی مدارس اهمیت ویژه‌ای به تربیت شهروندی داده شود. به جهت آشنا ساختن دبیران و معلمان و حتی والدین، دوره‌های آموزشی در خصوص تربیت شهروندی، مفاهیم، ابعاد و مؤلفه‌ها و روش توسعه و ارتقای این مهارت مهم و جهانی برگزار گردد.

در بعد دانشی باید به تقویت دانش عمومی و تخصصی، دانایی محوری، استقلال ذهنی، تفکر و تدبیر و تعمق، برنامه ریزی، پرسش و پاسخ و مشارکت در بحث، توسعه علمی، ترویج دانش، توانایی محاسبات، توانایی گفتگو، سواد رسانه‌ای، شناخت محیط اطراف و هدف داری توجه گردد.

در بعد نگرشی مدارس و نهادهای آموزشی باید به تقویت مهارت‌های احترام به قانون و مقررات، عدالت خواهی و آزادی خواهی، توجه به فرهنگی ملی، پذیرش تنوع تفکرات، مسئولیت پذیری، صداقت، شجاعت و جسارت، ادب و نزاکت، بخشش، انصاف داشتن، دیگرخواهی، عیب پوشی، صلح طلبی، دور اندیشی، وفاداری، امنیت خواهی، خوش خلقی و خوشرویی، صمیمی بودن و داشتن مهارت همدلی بپردازند.

در بعد مهارتی مدارس و نهادهای آموزشی باید توجه ویژه‌ای به تقویت مؤلفه‌ها و مهارت‌های مشارکت در امور، خودکنترلی، صبر کردن، امانت داری، تعادل رفتاری، رازداری، تلاشگری، وقت شناسی، همکاری کردن، رفاه و آسایش، منظم بودن، کار گروهی، استقلال مالی، اشتغال، برقراری ارتباط، حل مساله، رعایت اصول بهداشتی، مهارت تصمیم گیری و معاشرت با دیگران داشته باشند و آنها را درونی سازی نمایند.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

آشتیانی، ملیحه؛ فتحی و اجارگاه، کوروش؛ یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۵). لحاظ کردن ارزش‌های شهروندی در برنامه درسی برای تدریس در دوره دبستان. نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم، ۶۸-۹۲.

- آقا زاده، احمد (۱۳۸۶). اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی‌های این گونه آموزش‌ها در کشور ژاپن، نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم، ۶۶-۴۵.
- بهشتی، صمد (۱۳۸۶). شاخص‌های شهروندی در کتب علوم اجتماعی دوره متوسطه‌ی نظری. مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۳۵، ص ۲۹.
- جمالی تازه کند، محمد؛ طالب زاده نوبریان، محسن و ابوالقاسمی، محمود (۱۳۹۲). تحلیل جایگاه مؤلفه‌های تربیت شهروندی در محتوای برنامه‌ی درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه، پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال دهم، دوره دوم، ش ۱۰.
- حسینی مهر، علی؛ سیف نراقی، مریم؛ نادری، عزت الله؛ شریعتمداری، علی (۱۳۹۰). مهارت‌های شهروندی مورد نیاز دانش آموزان در برنامه درسی دوره راهنمایی تحصیلی. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی. سال پنجم، شماره ۴، ۶۵-۴۵.
- رضا، فزرونی شره جینی؛ پیری، موسی؛ اسدیان، سیروس (۱۳۹۵). چالش‌های برنامه‌ی درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی در تربیت شهروندی- اجتماعی براساس مدل تایل. دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه‌ی درسی، سال چهارم، شماره ۷، ۸۰-۵۵.
- شیخ طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). مکارم اخلاق. قم: شریف رضی.
- عسکریان، مصطفی (۱۳۸۵). جایگاه فرهنگ‌های قومی در تربیت شهروندی. نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم، ۱۳۴-۱۶۱.
- فرمehنی فراهانی، محسن (۱۳۹۵). الگوی تربیت شهروندی فضیلت گرای ارتباطی: الگویی برای تربیت سیاسی و اجتماعی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و چهارم، دوره جدید، شماره ۱، ۳۰-۶۷.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)؛ درآمدی بر تحقیق کیفی؛ ترجمه هادی جلیلی؛ تهران: نشر نی.
- قاسم پور خوشرودی، عرفانه؛ صفار حیدری؛ حجت (۱۳۹۴). مطالعه وضعیت و موانع توجه به مؤلفه‌های تربیت شهروندی اسلامی در دانشگاه (مطالعه موردی دانشگاه مازندران). فرهنگ در دانشگاه اسلامی سال پنجم، شماره دوم، ۲۷۳-۲۹۴.
- قلناش، عباس (۱۳۹۱). مبانی اجتماعی و سیاسی تعلیم و تربیت: بررسی تطبیقی رویکردها و دیدگاه‌های تربیت شهروندی پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت ۲ (۱)، ۶۴-۴۷.
- کرم افروز، محمد جواد؛ شریعتمداری، علی؛ سیف نراقی، مریم (۱۳۹۰). طراحی الگوی تربیت شهروندی برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی. فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، سال سوم، شماره دوم، ۴۸-۲۹.

- مهدوی، محمدصادق، اسمی جوشقانی، زهرا). ۱۳۹۲. (نگاهی جامعه شناختی به عوامل اجتماعی مؤثر بر اخلاق شهروندی. فصلنامه جامعه شناختی شهر. سال سوم، شماره هشتم، ۱-۳۰.
- نیکو گفتار، منصوره؛ باشی، معصومه (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر جامعه پذیری اخلاق شهروندی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس). فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۴۸، ۱۲۹-۱۴۸.
- هاشمی، شهناز (۱۳۸۹). تربیت شهروندی در کشور ژاپن. پژوهش‌های مدیریتی. ۲۸ دوره‌ی نهم. شماره‌ی ۲.
- وزیری، مزده؛ جهانی، شیدا (۱۳۸۵). مهارت‌های شهروندی مورد نیاز دانش آموزان دبستانهای شهرستان زلزله زده بم. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم.
- Bakht Hina, Khush; Muhammad, Ajmal; Rahman, Fazalur; Bux Jumani, Nabi (2011). State of Citizenship Education: A Case Study from Pakistan. *International Journal of Humanities and Social Science* Vol. 1 No. 2.
- Climate*. University of Maryland. Circle Working Paper 48.
- Homana, G., Carolyn B., & Judith T. P. (2006). *Assessing School Citizenship Education*
- Kennedy, Kerry J (2012). Global Trends in Civic and Citizenship Education: What are the Lessons for Nation States. *Educ. Sci.* 2, 121-135.
- Nixon, J. (2012) *Interpretive Pedagogies for Higher Education: Arendt, Berger, Said, Nussbaum and their Legacies*. London and New York: Bloomsbury.
- Su, F., Bullivant, A. and Holt, V. (2013) *Global Citizenship Education*. In Curtis, W., et al (eds) *Education Studies - An Issues Based Approach* (3rd Edition). Exeter: Sage/Learning Matters.
- Twarog, K. (2017). Citizenship Education: Cultivating a Critical Capacity to Implement Universal Values Nationally [Kultivace kritického myšlení k implementaci univerzálních hodnot vnitrostátně]. *Sociální pedagogika/Social Education*, 5(1), 29-47. doi:10.7441/soced.2017.05.01.02.
- Veugelers, W (2010). Theory and Practice of Citizenship Education. The Case of Policy, Science and Education in the Netherlands. *Revista de Educación*, número extraordinario pp. 209-224.